دوران زندگانی رشت

از نظر مورخان اسلامی

قرن ششم هجری ـ سده ۱۲ میلادی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ترجمه و تنظیم از

[illegible] رشن ضمیر

[illegible]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

یادداشت مجله

آقای دکتر مهدی روشن‌ضمیر مقاله‌ای از پروفسور شپولر استاد و رئیس سمینار خاورشناسی دانشگاه هامبورگ آلمان ترجمه کرده‌اند. نظر به اینکه مقالهٔ آقای شپولر که از خاورشناسان بزرگ معاصر است حاوی تحقیقی از یك خاورشناسی بزرگ دیگر معاصر یعنی پروفسور (والتر) هینتس دربارهٔ تعیین زمان زردشت از روی محاسبهٔ یك واقعهٔ تاریخی که در زمان عباسیان اتفاق افتاده است میباشد و واجد نکتهٔ مهمی است که با تشکر از آقای دکتر مهدی روشن‌ضمیر درج میگردد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دوران زندگانی زرتشت

از نظر مورخان اسلامی

قرن ششم هجری — سدهٔ ۱۲ میلادی

ترجمه و تحشیه از

مهدی روشن ضمیر

دکتر درخاورشناسی

(استادیار دانشگاه اصفهان)

درتاریخ بیهق اثرابوالحسن علی‌بن زیدبیهقی معروف به‌ابن فندق که درسال ۵۶۳ هجری (۱۱۶۸ میلادی) بپایان‌رسیده است‌شرح مبسوطی‌دربارهٔ‌بیهق که یکی از شهرهای خراسان میباشد برشتهٔ تحریر درآمده است.[۱]

در این کتاب ـ بنا بر گزارشی که والتر هینتس در ۱۷ آوریل ۱۹۷۰ بمن‌داده‌است ـ دربارهٔ دوران زندگی‌زرتشت پیامبر ایرانی نکاتی بچشم میخورد که‌دانشمندان‌تاکنون درآن باره دقت‌های لازمه را بعمل‌نیاورده‌اند.

۱ - چاپ تهران ۱۳۱۷ هجری‌خورشیدی بکوشش احمد بهمنیار با مقدمه‌ای ازمیرزا محمد قزوینی. همچنین‌رجوع شود به‌کتاب Persian Literature اثرCharles A. Storey بخش دوم ص۳۵۴ ومتمم‌آن ص۱۲۹۵. درکتاب اخیرالذکرسال هجری‌شمسی اشتباهاً محاسبه شده‌است.

در این کتاب [۲] راجع به‌سرو بسیار بلندی گفتگوشده که در دهکدهٔ کشمر [۳] نزدیك‌ترشیز قهستان وجود داشته است .

---

۲ - ص ۲۸۱ ببعد

۳ - در کتاب The Lands of the Eastern Caliphate اثر Guy Le Strange چاپ‌کامبریج سال۱۹۰۵ (چاپ جدید ۱۹۳۰و۱۹۶۶) ص ۶- ۳۵۵ نام کشمر آورده شده است.

همچنین در کتاب نزهت‌القلوب اثرحمدالله مستوفی قزوینی بکوشش لسترنج چاپ‌لیدن ولندن ۱۹۱۵و۱۹۱۹ (Gibb Memorial Series XXIII, I, 2) جلد اول ص ۱۴۲ نیز نام کشمر آمده وبنا بعقیده والترهینتس باتوجه به‌لهجه محلی‌آن نواحی‌بایستی آنرا Keshmar خواند.

در اینجا برای اطلاع بیشترخوانندگان ، مطالب کتب تاریخ بیهق ، نزهت‌القلوب و شاهنامه‌فردوسی عیناً نقل میگردد : **تاریخ بیهق** ص ۲۸۱ **«قصه سرو دیه‌کشمر و سرو دیه‌فریومد.** زردشت که‌صاحب‌المجوس بود دوطالع اختیار کرد، وفرمود تابدان دوطالع دو درخت سروبکشتند، یکی در دیه کشمرطریثیث، یکی در دیه فریومد. ودر کتاب ثمارالقلوب خواجه ابومنصور ثعالبی چنین آرد کـه این دو درخت گشتاسب ملك فرمود تا بکشتند. المتوکل علی‌الله جعفربن‌المعتصم خلیفه را این درخت وصف کردند ، و او بنای جعفریه‌آغاز کرده بود، نامه نوشت بعامل نیشابور خواجه‌ابوالطیب و بامیر طاهربن عبدالله که باید آن درخت ببرند و برگردون نهند و ببغداد فرستند و جمله شاخهای‌آن درنمددوزند وبفرستند، تا درودگران دربغداد آن درخت راست باز نهند و شاخها بمیخ بهم بازبندند چنانکه هیچ شاخ وفرع از آن درخت ضایع نشود تا وی آن ببیند آنگاه دربنا بکار برند، پس‌گبرکان جمله جمع شدند وخواجه ابوالطیب‌را گفتندما پنجاه هزار دینار زرنیشابوری خزانه خلیفه را خدمت کنیم، در خواه تا از بن‌بریدن درخت درگذرد، چه هزارسال زیادت‌است تااین درخت کشته‌اند، واین‌در سنه اثنتین وثلاثین‌وماتین بود، وازآنوقت که این درخت کشته بودند تا بدین وقت هزار و چهارصد وپنج سال بود، وگفتند که قلع وقطع این مبارك نیاید و بدین انتفاع دست ندهد، پس عامل نیشابورگفت متوکل نه از آن خلفا وملوك بودکه فرمان وی بر وی رد توان کرد ، پس خواجه‌ابوالطیب امیر عتاب بن ورقاءالشاعرالشیبانی را - و او از فرزندان عمروبن‌کلثوم‌الشاعر بود — بدین عمل نصب‌کرد، و استادی درودگر بود درنیشابورکه مثل او نبود، اورا حسین نجارگفتندی ، مدتی روزگارصرف کردند تا

بنابرمطالب کتاب نامبرده، درلابلای شاخه‌های بیشمار این درخت تعداد شمارناپذیری ازپرندگان آشیانه داشته ودر زیر سایه آن بیش از ده‌هزار گوسفند استراحت میکرده‌اند. درخت سرو نـامبرده بخـواهش زرتشت و بدست گشتاسب‌شاه (بسبب گرویدن وی بدیـن زرتشت) کاشته شده است. زرتشت‌پیش‌بینی‌نموده‌بود که هر گاه پادشاهـی اصل و ریشه این درخت را ببیند (یعنی آنرا قطع کند) بزودی خواهد مرد.

اده آن بساختند واسباب آن مهیا کردند. واستدارهٔ ساق این درخت چنانکه در کتب آورده‌اند مساحت بیست وهفت تازیانه بوده است هر تازیانه رشی وربعی بذراع شاه، وگفته‌اند درسایه‌آن درخت زیادت از ده هزار گوسفند قرار گرفتی، و وقتی که آدم نبودی و گوسپند و شبان نبودی وحوش و سباع آنجا آرام گرفتندی، و چندان مرغ گوناگون برآن شاخها مأوی داشتند که اعداد ایشان کسی در ضبط و حساب نتواند آورد. چون بیوفتاد درآن حدود زمین بلرزید وکاریزها و بناهای بسیار خلل کرد، ونماز شام انواع و اصناف مرغان بیامدند چندانکه آسمان پوشیده گشت و بانواع اصوات‌خویش نوحه وزاری‌میکردند بروجهی که‌مردمان‌ازآن تعجب کردند،وگوسپندان که درظلال آن آرام گرفتندی همچنان ناله وزاری آغاز کردند. پانصدهزار درم‌صرف افتاد دروجوه‌آن تا اصل‌آن درخت ازکشمر بجعفریه بردند، و شاخها وفروع آن بر هزاروسیصد اشترنهادند،آن روزکه بیك منزلی جعفریه رسیدآن شب غلامان متوکل‌را بکشتند، وآن‌اصل سرو ندید وازآن برخورداری‌نیافت. قال علی‌بن‌الجهم فی قصیدة ـ السرویسری والمئیه. و این بود شب چهارشنبه لثلاث خلون من شوال سنه اثنتین و ثلاثین وماتین، باغرتر کی با جماعتی از غلامان باشارت منتصر قصد متوکل کردند، و متوکل درمجلس لهونشسته بود... وآن بریك منزلی جعفریه بماند تا عهدی نزدیك، و درآن‌سال والی‌نیشابور که‌آن فرمود ـ ابوالطیب طاهر ـ وهرکه درآن سعی کرده بود جمله پیش ازحولان حول هلاك شدند، درودگر وآهنگروشاگردان واصحاب نظاره و ناقلان‌آن چوب هیچکس نماند، واین از اتفاقات عجیبه است.»

نزهت‌القلوب ص۱۴۳ : «کشمردرآن ولایت قصبه‌است و درقدیم درختی سرو بوده‌است چنانچه درعالم هیچ درختی ازآن بلندتر نبود چنین گویند که جاماسب حکیم نشانده

المتوکل خلیفه درزمان خلافت خود نام این درخت را شنیده و چون برای دیدن آن درخت نمیتوانسته است بدانجا مسافرت نماید درسال ۲۳۲ هجری (۸٦٤/٤٧ میلادی) فرمانی صادرمیکند که آنرا بیاندازند. درخت‌سرو مزبور درآنزمان ۱٤۰۵ ساله بوده. زرتشتیان درشهرنیشابور مبلغ پنجاه هزاردینار زر جمع کرده وتقدیم کردند تا خلیفه از انداختن آن درخت خودداری نماید ولی‌فرمان خلیفه اجرا گردیده و مأموران درخت سرو را قطعه قطعه کرده وشاخه‌های آنرا بهم بسته وتوسط ۱۳۰۰ شتربسوی بغداد حمل کردند. خلیفه چوب این درخت را برای بنای کاخ جدید خود بنام الجعفری لازم داشت. اتفاقاً درست درشب همان روزی که قطارهای‌شترحامل تنه وشاخه‌های آن‌درخت واردبغداد میشدند (٤ شوال ۲٤۷ هجری=۱۱- دسامبر ۸٦۱ میلادی) خلیفه‌المتوکل‌بتحریک‌پسرش (المنتصر) بقتل‌میرسد وبدین‌ترتیب پیشگوئی زرتشت بحقیقت میپیوندد.

گزارش نامبرده‌تنها دریکجا ذکرنگردیده بلکه اغلب تاریخ‌نویسان

بود ودرشاهنامه ذکردرخت کشمربسیار آمده چنانکه گفته‌اندبیت:

«یکی شاخ سروآورنداز بهشت، بپیش درکشمر اندربکشت»

شاهنامه فردوسی چاپ تهران ۱۳٤۱ ص ۲۷۵ : **«پیدا شدن زردشت وگزیدن گشتاسب کیش اورا**

نخست آذر مهر برزین نهاد — بکشور نگر تا چه آئین نهاد

یکی سرو آزاده‌را زردهشت — به پیش درآذر اندر بکشت...

فرستاد هرسو بکشور پیام — که‌چون‌سرو کشمر بگیتی کدام...

کنون جمله‌این پند من بشنوید — پیاده سوی سرو کشمر روید...

همه تاج داران بفرمان او — سوی سرو کشمر نهادند روی...

چراکش نخوانی نهال‌بهشت — که‌چون‌سرو کشمر بگیتی که کشت»

(مترجم)

به انحاء مختلف آنرا نقل کرده‌اند. ازجمله زکریای قزوینی[۴] (زندگی:در حدود ۱۲۸۳–۱۲۰۳ میلادی) تقریباً همین گزارش را از قول ابومنصور عبدالملك ثعالبی‌درثمارالقلوب[۵] نقل کرده ولی‌از کهولت درخت سروذکری ننموده واسمی ازسال ۲۳۲ هجری نیزنبرده است.

حمدالله‌مستوفی‌قزوینی در کتاب جغرافیای‌خودنزهت‌القلوب[۶](درحدود سال ۷٤۰ هجری‌مطابق ۱۳٤۰میلادی) تنهاذکری‌ازآن درخت کرده‌واشاره نموده که سرو مزبور بدست‌جاماسپ حکیم‌کاشته شده بوده وشعری‌هم از فردوسی‌نقل کرده است. غیرازمطالب فوق چیز دیگری دراین باره بمیان آورده نشده‌است.

دریکی دیگر ازمنابع متعلق به‌قرن ۱٦ میلادی بنام‌دبستان نیز نامی ازاین‌درخت برده‌شده ودرآن قدمت سرورا به ۱٤۵۰سال رسانیده‌است.[۷] مؤلف‌تاریخ بیهق علاوه‌برسرومورد بحث‌ما، نام‌درخت سرو دیگری را

---

٤ — کتاب آثارالبلدان el–Cazwini's Kosmographie,II,Teil بکوشش فردیناند ووستنفلد Ferdinand Wuestenfeld چاپ گوتینگن سال ۱۸٤۸ ص ۲۹۹

۵ — رجوع کنید به متمم تاریخ ادبیات عرب

Geschichte der arabischen Literatur , Suppl.B.I اثرکارل بروکلمن – Carl Brockelmann جلد اول ، لیدن ۱۹۳۷ ، ص ۵۰۰ (شماره ۹) در این کتاب تنها از قطع درخت (بدون ذکر تاریخ) و مرگ المتوکل اسم برده شده است . در نسخه ای که بکوشش محمد ابوالفضل ابراهیم ، چاپ قاهره ۱۹٦۵ ص ۵۹۸ چاپ‌گردیده نام زرتشت نیز برده نشده.

٦ — ص ۱٤۳

۷ — لسترنج ص٦–۳۵۵ . دراینجا در پاورقی شمارهٔ یك ص۳۵٦ نیز شعری‌ازفردوسی که مربوط به‌بحث مزبور میباشد نقل گردیده‌است . پاول‌شوارتس Paul Schwarz نویسندهٔ کتاب ایران در قرون وسطی بنا بر جغرافیانویسان عرب

Iran in Mittelalter nach arabischen Geographen جزو نهم چاپ۱۹۳٦–

نیز برده که در کتب دیگر کسی بدان اشاره ننموده است. در این کتاب[۸] چنین نقل شده است که بنالکتین بن محمد خوارزمشاهی درسال ۵۳۹ هجری (۴۵- ۱۱۴۴ میلادی) قصبه فریومد[۹] را که در ۱۶ فرسنگی شمال غربی سبزوار قرار گرفته مسخر نمود. وی در آنجا برای نشان دادن دشمنی خود با زرتشتیان دستور داد درخت سرو بسیار بزرگ آن محل را بریده و سپس بسوزانند. بنا بر آنچه در افواه مردم شایع بوده، کسی که آن درخت سرو را قطع نماید، نفرین

۱۸۹۶ (چاپ جدید، هیلدسهایم - نیویورک ۱۹۶۹) نام کشمر و فریومد را نبرده است. بنا بر آنچه لسترنج از کتاب دبستان نقل نموده، عمر درخت را ۱۴۵۰ سال بحساب آورده است که بعقیده من اشتباهی در شماره بوجود آمده و بایستی آنرا ۱۴۰۵ دانست. در اینجا برای آگهی بیشتر خوانندگان زیر نویسی ترجمه فارسی کتاب سرزمینهای خلافت شرقی اثر لسترنج ص۳۸۱ عیناً نقل میشود: «... ظاهراً طبری و تاریخ نویسان قدیم دیگر عرب از سرو کشمر ذکری نکرده‌اند. کتاب دبستان المذاهب که در قرن شانزدهم میلادی تألیف شده شرحی مفصل در این باره نوشته است (این کتاب را Shea, Troyer به انگلیسی ترجمه کرده اند) سرو زردشت باید در حدود ۱۴۵۰ عمر کرده باشد و شاید همانست که مارکوپولو به عبارت Arbre Sol یاد کرده و مسیحیان Arbre Sec مینامند. مارکوپولو: چاپ Yule، جلد اول صفحه ۱۳۱. (مترجم)

۸ — ص۲۸۳ — در اینجا نیز برای آشنائی بیشتر خوانندگان با متن کتاب آنرا عیناً نقل مینمائیم: «و سرو فریومد عمر و بقا بیش از آن یافت، تا سنه سبع و ثلاثین و خمسمائه بماند، دویست و نود و یك سال پس از سرو کشمر، و مدت بقای این سرو در فریومد هزار و ششصد و نود و یك سال بود، پس امیر اسفهسالار بنالتکین بن خوارزمشاه فرمود تا آنرا بسوختند، و حالی ضروری بوی و حشم وی نرسید، ازیرا که بواسطهٔ آتش در آن تصرف کردند، و آن درخت زردشت آتش پرست کشته بود، و ممکن بودی که اگر بیریدندی اتفاقی عجیب پدید آمدی، و بعد از آن امیر بنالتکین بماند تا سنه احدی و خمسین و خمسمائه چهارده سال دیگر بزیست، و خاصیت درخت فریومد آن بود که هر پادشاه که چشم او بر آن افتادی اورا در آن سال نکبت رسیدی، و عمرها این تجربه مکرر گردانیده بودند.

۹ — همچنین حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب ص ۱۵۰

شده وبزودی بمرگ گرفتار میشده، ولی البتگین دراثرآن نفرین ودعای بدنمرده وتا ۱٤سال‌بعد هم میزیسته‌است. عمراین درخت‌درهنگامیکه‌آنرا قطع کرده‌اند ۱٦۹۱ سال‌بوده. یـا اینکه این‌درخت ۲۹۱ سال‌بیشتر ازسرو کشمر عمر کرده‌است.[۱۰] درهمین کتاب، یعنی‌تاریخ بیهق درصفحه‌بعد[۱۱] تاریخ قطع درخت راسال ۵۳۷هجری (۱۱٤۲/٤۳ میلادی) نوشته‌است.

بادقت درمطالب بالا ملاحظه‌میشود کـه منابع اسلامی سدهٔ دوازدهـم میلادی ایران، تاریخ‌زندگانی زرتشت‌را چگونه‌محاسبه میکرده‌اند.

اکنون ابتدا ازآخرین سالی که داده‌شده آغازمیکنیم، یعنی ازعـدد ۱٦۹۱ عمردرخت سروقصبه فریومدسال ۱۱٤۲/٤۳ تاریخ قطع‌همان درخت راکسم میکنیم (۱۱٤۲/٤۳=۵٤۹/٤۸ - ۱٦۹۱) سال ۵٤۹/٤۸ پیش از میلاد بدست میآید. حال‌اگرسال ۱۱٤٤/٤۵ (سال‌قطع درخت فریومد) را درنظر گرفته وآنراازسال ۱٦۹۱ کسر کنیم سال ۵٤۷/٤٦ (۱۱٤٤/٤۵=۵٤۷/٤٦- ۱٦۹۱) پیش‌از میلاد حاصل میگردد (یعنی‌سال کشت‌درخت سروسال۵٤۷- پیس‌ازمیلاد بوده است. مترجم) مطلبی راکه‌باید دراینجا درنظر گرفت‌این است که برای محاسبه‌این سنوات مورخان ازسالهـای خورشیدی زرتشتی استفاده نموده‌اند چون‌خود بخود پیش‌ازسال٦۲۲میلادی سال هجری‌وجود نداشته تامورخین اسلامی بتوانند ازآن استفاده کنند.

راجع به‌درخت‌سرو کشمرتنهاتاریخ‌بیهق‌سال‌قطع‌درخت‌یعنی‌سال۲۳۲- هجری (۸٤٦/٤۷ میلادی) را داده است. حال اگـر عمردرخت سرو کشمر (یعنی ۱٤۰۵) رادرنظر بگیریم وسپس تاریخ قطع‌آن یعنی‌سال ۸٤٦/٤۷را

---

۱۰ — ممکن‌است این‌عدد هم‌کاملا صحیح‌نباشد چون فرق بین‌آن با عمردرخت سروکشمر ۲۸٦ میباشد (۱٤۰۵=۲۸٦ - ۱٦۹۱ مترجم) . از طرف دیگر ممکن است که دراین موضوع کوشش کرده‌اند که سال هجری را مورد محاسبه قرار داده باشندکه بااین وصف فرق آن دوعدد با حساب هجری ۲۹۵ میشود .

۱۱ — ص ۲۸۳

از آن کم کنیم عدد ۵۵۹/۵۸ قبل از میلاد بدست میآید (۵۵۹/۵۸=۸٤٦/٤۷-۱٤۰۵). ازطرفی نباید فراموش کرد که این درخت سروجهت بنای کاخ الجعفری قطع شده بوده است و آغاز بنای کاخ نامبرده بفرمان جعفرالمتوکل درسال ۲٤۵ هجری (۸۵۹/٦۰ میلادی) بوده است.[۱۲] بااین وصف نمیشود قبول کرد که درخت فوق را ۱۲ سال پیش از آغاز بنای کاخ قطع کرده بسوی سامره حرکت داده باشند. حال چون ورود این درخت به پایتخت خلیفه[۱۳] بسبب نفرینی که بسبب قطع درخت شده با مرگ خلیفه همزمان میشود بایستی قبول کرد که درخت سرو درسال ۸۵۸/۵۹ میلادی بریده شده است. دراین صورت حساب زیر بدست میآید (یعنی ٤٦/٤۷=۵=۸۵۸/۵۹-۱٤۰۵) بعبارت دیگر درست برابر همان سالی است که برای درخت سروفریومد آورده اند. واین تاریخ میتواند صحیح باشد چون مؤلف کتاب تاریخ بیهق نیز درهمین زمان میزیسته است.

بامحاسبهٔ فوق که ازیکی از تواریخ اسلامی ایران گرفته شده به زمان زندگی زرتشت میرسیم یعنی درست همان سنواتی بدست میآید که اخیراً توسط خاورشناسان ضمن بحثهای متمادی بدست آمده است.

هامبورگ برتولد شپولر

---

۱۲ - رك به تاریخ شهر سامره Geschichte d.Stadt Samarra اثر ارنست هرتسفلد چاپ هامبورگ ۱۹٤۸ ص ۱۲۵، نقل از الطبری ج سوم ص۱٤۳۸

۱۳ - منابع و مآخذ همه حمل درخت را به بغداد نوشته اند که میتوان آنرا اشتباهی دانست که معمولا مورخین قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی مینموده اند. (توضیح آنکه دراین دو قرن بغداد پایتخت عباسیان شده بود. بانی بغداد ابوجعفر منصور دومین خلیفه عباسی بوده است. خلیفه المعتصم در سال ۲۲۱ هجری تصمیم گرفت پایتخت جدیدی بسازد لذا به سامره رفت و آنجا را پس از ساختن پایتخت خود قرار داد. شهر سامره مدت تقریباً ۵۰ سال پایتخت عباسیان بود. (نقل از Jan Rypka; Iranische Literaturgeschichte, Leipzig 1959, S. 47